

اگر تفکر، تفکر نسبت به وجود باشد عملاً ما را در مراقبه نسبت به وجود وارد می‌کند

شماره پرسش: ۱۴۳۰۹

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۴/۱۰/۹ ۰۴:۲۴:۴۷

متن پرسش

سلام استاد: بنده چند وقتی است که در حال مطالعه ی کتاب های عرفانی هستم از عرفان شرقی و همچنین عرفان خودمان و بعضا سرخپوستی، متوجه شدم که نقطه ی مشترک همه ی این عرفان ها رهایی از خود و به قولی رهایی از سوژکتیویته است. راه حل ها هم معمولا مشابه اند و یک سری اعمال و ریاضت پیشنهاد می شود. اما اخیرا متوجه شدم که هایدگر هم همچین پیشنهادی را مطرح می کند و راه رهایی از سوژکتیویته را تفکر و به قول خودش «تفکر مراقبه ای» می داند. می خواستم بدانم به نظر شما منظور از تفکر مراقبه ای چیست؟ و آیا می توان با تفکر از سوژکتیویته رها شد؟ سوال دومم در مورد ملاصدرا است، آیا حکمت متعالیه و اصالت وجود هم موضوعش رهایی از سوژکتیویته است؟ و اگر آری راه حل ملاصدرا چیست؟ با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- همان طور که هایدگر می‌گوید اگر تفکر، تفکر نسبت به وجود باشد عملاً ما را در مراقبه نسبت به وجود وارد می‌کند تا نیوشای سخن وجود باشیم ۲- مسلم اصالت وجود به معنایی که جناب ملاصدرا می‌گوید که رجوع به وجود است و نه مفهوم وجود، به نظر بنده مهم‌ترین راه برای عبور از غرب سوژکتیویته‌زده است. موفق باشید